



متن‌شناسی انتقادی تذکره‌های چهار مقاله، لب‌الالباب، نفحات‌الانس و تذکره‌الشعرا

علوی مقدم، مهیار^۱، سلمانپور، طوبی^۲، تسنیمی، علی^۳، فیروزی مقدم، محمود^۴

چکیده

تذکره‌ها، نسل نخستین تاریخ ادبیات فارسی هستند و متن‌شناسی انتقادی این تذکره‌ها، با هدف چگونگی شکل‌گیری، دگردیسی، زمینه‌های پیدایش تذکره‌ها و دوره‌بندی تاریخی و فرازوفروند آن‌ها را در طول تاریخ ادبی بازمی‌تاباند. آفت‌هایی مانند سطحی‌نگری، سجع‌پردازی، موجز‌نویسی و حبّ و بغض، به شماری از این تذکره‌های ادبی راه یافته‌است. متن‌شناسی تذکره‌ها، مستلزم بهره‌گیری از «تفکر انتقادی» است تا بتوان به ارزیابی هدفمند، دقیق و علمی تذکره‌ها دست یافت، تفکر تحلیلی و ارائه نظریه‌های علمی را فراهم کرد، از سنت‌های ناروا و کژمدارانه ادبی دوری گزید و خواننده را با بافت موقعیتی آفرینش متن تذکره‌ها آشنا کرد. در این پژوهش، که جامعه آماری آن چهار تذکره برگزیده جریان ساز (یک تذکره پیشامغولی: چهار مقاله و سه تذکره پسامغولی: لب‌الالباب، نفحات‌الانس، تذکره‌الشعرا) را تا آغاز سده ۱۰ ق. در بر می‌گیرد، در چارچوب متن‌شناسی انتقادی به بررسی عناصر ساختار درونی و بیرونی مسلط در هر عصر و نیز توصیف و تبیین رویکردهای گوناگون شیوه‌های تذکره‌نویسی و سنت‌شکنی و نوآوری، انگیزه‌ها خواهیم پرداخت؛ هم‌چنین می‌کوشیم با روشی تحلیلی-توصیفی، به شناخت رده‌بندی، کشف روابط و مناسبات میان تذکره‌ها، تأثیر و تأثرات آن‌ها و به‌ویژه نقش عناصر درونی و بیرونی در تطورات تذکره‌نویسی دست یابیم. ارتقای سطح ژرف‌نگری و ارزش‌گذاری خواننده امروز نسبت به متن تذکره‌ها، طبقه‌بندی و بالابردن سطح نظریه‌پردازی ادبی آن‌ها، از جمله ضرورت‌های بهره‌گیری از متن‌شناسی انتقادی در بررسی و تحلیل نسل نخستین تاریخ ادبیات فارسی است.

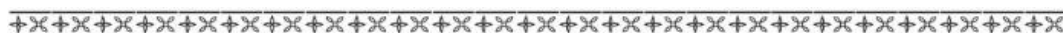
واژه‌های کلیدی: متن‌شناسی، تفکر انتقادی، تذکره‌ها، تاریخ ادبی.

۱ نویسنده مسؤوّل: دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران - m.alavi2007@yahoo.com

۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاداسلامی تربت حیدریه، ایران - parimah.1346@gmail.com

۳ عضو مدعو دانشگاه آزاداسلامی تربت حیدریه، دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران - a.tasnimi@hsu.ac.ir

۴ استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاداسلامی، تربت حیدریه، ایران - firouzimoghaddam@gmail.com



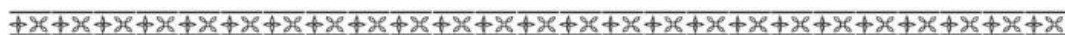


۱- مقدمه

ذکر احوال شاعر و نویسنده ادبی و روزگارش، از اساسی‌ترین دلایل تدوین متن تذکره‌هاست. تذکره‌نویسان که گاه خود نیز شاعر بوده یا در تبیین اصول و مبانی شعر و شاعری دستی داشته، افزون بر ثبت و ضبط شرح حال شاعران، گاه به نقد شعر نیز پرداخته‌اند. گرایش به تذکره‌نویسی و تدوین زندگی‌نامه شاعران و گزیده‌های اشعار ایشان از ۵۳۰ق. و با نگارش مناقب الشعرا آغاز شد و تا سال ۸۹۲ق. که گویا نام «تذکره» نخستین بار بر تذکره الشعرا دولت‌شاه سمرقندی گذاشته شد و نیز با نگارش روضه الصفا در ۸۹۹ق. دست کم ۱۴ تذکره نگاشته شد (مناقب الشعرا: ح ۵۳۰ق.؛ چهار مقاله: ۵۵۰ق.؛ تاریخ بیهق: ۵۶۰ق.؛ تذکره مصور: ۵۸۰ق.؛ لباب الالباب: ۶۱۸ق.؛ تاریخ گزیده: ۷۳۰ق.؛ لطایف اشرفی: ح ۷۹۰ق.؛ مجمل فصیحی: ۸۴۵ق.؛ تاریخ کبیر: ۸۴۵ق.؛ تاریخ صدر جهان: ح ۸۶۳ق.؛ نفحات الانس: ۸۸۳ق.؛ بهارستان: ۸۹۲ق.؛ تذکره الشعرا: ۸۹۲ق.؛ روضه الصفا: ۸۹۹ق.).

متن تذکره‌ها، تحت تأثیر وضعیت تاریخی، اجتماعی، سیاسی و رویدادهای ادبی بوده‌اند؛ از این رو، می‌توان آن‌ها را خاستگاه تاریخ ادبی دانست که در شکل‌گیری و تدوین تاریخ ادبیات، نقش به‌سزایی داشته‌اند. پیشینه و سابقه عناصر درونی شکل‌دهنده تاریخ ادبی را می‌توان با تکیه به تذکره‌ها بررسی کرد. اطلاعات مربوط به عصر زندگی شاعران و نویسندگان که گاه بی‌ارزش و بی‌اهمیت جلوه می‌کنند، مورخ ادبی را بر آن می‌دارد که بتواند پیرامون مسایل زمانه شاعر از سر ژرف‌نگری سخن براند و وی را توانایی بخشد که بتواند فراسوی بعد زمانی و مکانی درباره شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آثار مؤلفان تحقیق کند. آگاهی و بینش عمیق نسبت به گذشته فرهنگی، ادبی، اجتماعی و سیاسی هر عصری لازمه درک و فهم پیوندهای آثار ادبی است که به ناچار برای دسترسی به آن‌ها باید تذکره‌ها را به خدمت گرفت.

متن‌شناسی تذکره‌ها بانگاهی انتقادی، به شناخت تحولات، فراز و فرودها، سیر تحولات و تطورات این گونه تاریخ ادبیات می‌پردازد. سیطره تذکره‌های فارسی بر تاریخ ادبیات‌نگاری به لحاظ قدمت، آرا و اندیشه‌های تاریخی، حاوی اطلاعات ژرف مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی بسیار گسترده است. تاریخ نگاران ادبی، تحت تأثیر آرا و ذوق نهفته تذکره‌نویسان در تذکره‌ها قرار داشته‌اند و بخش زیادی از داوری‌ها و ارزیابی‌ها، نقد و قضاوت تاریخ‌نویسان ادبی متأثر از تذکره‌هاست. به‌رغم آن که آفت‌هایی در حفظ و پاسداشت تاریخ ادبی ایران و انگیزه‌های گوناگون تذکره‌نویسان به تذکره‌ها راه یافته است، این تذکره‌ها در تبیین قبض و بسط فرهنگ، فراز و فرود ادبیات، سنت‌پذیری و سنت‌گذاری، نقش بسزایی داشته است و از این رو، آسیب‌شناسی تذکره‌ها، که مستلزم بهره‌گیری از «تفکر انتقادی» است، ضروری می‌نماید. آسیب‌شناسی و بهره‌گرفتن از تفکر انتقادی، تاریخ ادبیات‌نگاری و تذکره‌نویسی





را از ایستایی، انحطاط و واپس‌گرایی دور می‌کند، زمینه‌پیدایش دستاوردهای نو و رشد و ارتقای دانش تاریخ ادبیات نویسی و رشد و بالندگی پژوهش، نقد ادبی و ارتقای انگیزه و خلاقیت در میان پژوهشگران ادبی موجب می‌شود (زرقانی، ۱۳۹۰: ۴۹). این مقاله، می‌کوشد با رویکردی انتقادی، آفت‌ها و آسیب‌هایی را که از منظر ساختاری و درون‌مایه‌ای به تذکره‌ها تا سده ۱۰ ق. راه یافته واکاوی کند. از میان این ۱۴ تذکره، یک تذکره پیشامغولی و سه تذکره پسامغولی که بیشترین تاثیر را بر فرایند تذکره نویسی داشتند برگزیده شد، تذکره‌هایی که الگوی مناسبی در متن شناسی انتقادی تذکره نویسی به شمار می‌روند.

۱-۱. روش تحقیق

این پژوهش، با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، با رویکرد انتقادی و در زمینه پژوهش‌های تاریخ ادبیات‌نگاری و تذکره‌نویسی و نشان دادن نقاط قوت و ضعف این گونه پژوهش‌ها و براساس روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، روش تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و روش استدلالی استقرایی انجام شده است.

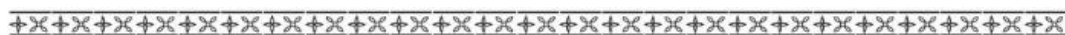
۱-۲. پیشینه تحقیق

الف. کتاب‌ها

فتوحی رودمجنی (۱۳۸۷) در کتاب نظریه تاریخ ادبیات (با بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ایران)، نگاهی انتقادی به تاریخ ادبیات نگاری و تذکره نویسی دارد. شفیع کدکنی در دو کتاب از جامی تارونگار ما (۱۳۸۰) و ادوار شعر فارسی از مشروطه تا سقوط سلطنت (۱۳۵۹) به بررسی جریان‌ها و معرفی اصول و معیارها و شاخص‌های هر جریان می‌پردازد. زرقانی (۱۳۹۰) در کتاب تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی، به تطوّر و گردیسی ژانرهای ادبی پرداخته است.

ب. مقاله‌ها

در زمینه آسیب شناسی و نگرش انتقادی در حوزه تاریخ ادبیات نگاری و تذکره نویسی، مقاله‌هایی به نسبت اندک نگاشته شده است: رضی (۱۳۸۹) در مقاله «آسیب‌شناسی شرح‌نویسی بر متون ادب فارسی»، علوی مقدم (۱۳۸۹) در مقاله «آسیب‌شناسی ساختار "شرح‌نویسی" در حوزه فهم متن ادبی (با نگاهی انتقادی به شرح‌های حافظ)»، به بررسی مباحث آسیب‌شناسی و تفکر انتقادی در حوزه‌هایی پرداخته‌اند. در حوزه تفکر انتقادی، مقاله عسگری (۱۳۹۱) با عنوان «آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی، رویکرد بین رشته‌ای» به مباحثی مانند آموزش انتقادی، چگونگی فهم اندیشه‌ها، چگونگی نظارت بر اندیشه‌ها، چگونگی یادگیری اندیشه‌های یک متن و مباحثی از این دست اشاره می‌کند. علوی مقدم (۱۳۹۶) در مقاله «ضرورت بازساخت تفکر انتقادی به مثابه



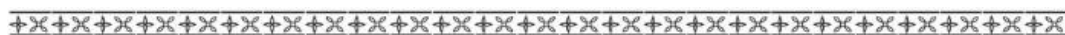


رویکردی میان رشته‌ای در حوزه علوم انسانی و نقد ادبی» به کاربرد تفکر انتقادی و ضرورت آن به ویژه در حوزه نقد ادبی پرداخته است، سلطانی (۱۳۷۸) در مقاله «بررسی سیر تذکره‌ها و تاریخ ادبیات‌های فارسی در ایران از ۱۳۸۵ - ۱۳۳۲ ه.ش» به تحلیل سیر تذکره‌ها و تاریخ ادبیات فارسی پرداخته است. زرقانی (۱۳۸۸) در مقاله «تکوین تدریجی سنت نگارش تاریخ ادبی ایران» خاستگاه سنت را بررسی کرده است. سلمان‌پور و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله «بازاندیشی در ضرورت «تفکر انتقادی» و کارکردهای آن در تذکره نویسی و تاریخ ادبیات نگاری» به نقش و جایگاه تفکر انتقادی در تذکره‌ها و تاریخ ادبیات‌های سنتی پرداخته‌اند. شفیعیون (۱۳۹۳) در مقاله «گذری دیگرگون بر تذکره‌های ادبی» به گونه‌شناسی تذکره‌های ادبی و ارائه طرحی برای تقسیم‌بندی آن‌ها پرداخته است اما هیچ‌یک، پژوهشی با رویکرد انتقادی و آسیب‌شناختی در چارچوب متن‌شناسی تذکره‌ها به شمار نمی‌رود و خلا پژوهشی در این حوزه، چنین پژوهشی را ضروری و بایسته می‌کند.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱. کاربرد «تفکر انتقادی» در تحلیل متن‌های ادبی

تفکر انتقادی در پیوند با نقد ادبی و متن‌شناسی ادبی، با کاربرد ابزارهای پرسشگری، در جستجوی ارزیابی ارزش‌های ساختاری، زیباشناختی، مقایسه، تطبیق و ارزش‌گذاری و ارزش‌افزایی متون ادبی است، داده‌ها و اطلاعات را طبقه‌بندی، تحلیل و ترکیب می‌کند و فعالانه، زمینه را برای اعتلا بخشیدن به اندیشه و فکر نو محقق و آماده می‌سازد. با توجه به جایگاه ارزشمند دانش و شتاب‌گسترش آن و تولید علم در دنیای امروزی، ضرورت نگاه ژرف و پرسشگرانه، بیش از پیش آشکار می‌شود و این خود، تفکر انتقادی است. تفکر انتقادی شیوه رسیدن به ارزشیابی هدفمند از راه تأمل در نکات ضعیف و قوی اطلاعات، مستندات و تحلیل اثر ادبی است که در بستر پرسشگری شکل می‌گیرد. برای درک و دریافت «تفکر انتقادی» باید در وهله نخست به فرآیند تولید دانش توجه کرد: «داده‌ها»، اطلاعات پراکنده و انبوهی است که افراد از راه‌های گوناگون و ابزارهای متنوع آموزشی و رسانه‌ای به دست می‌آورند؛ «اطلاعات»، صورت طبقه‌بندی و تحلیل علمی شده داده‌ها است؛ «دانش»، بر مبنای تحلیل و پردازش اطلاعات و کشف مجهول تحقیق حاصل می‌شود؛ «خرد»، مرحله پایانی و هدف است که همان «تفکر انتقادی» است و ابزاری به شمار می‌رود که در کل این فرآیند در تبدیل داده‌ها به اطلاعات و اطلاعات به دانش مورد استفاده قرار می‌گیرد (ر.ک: علوی مقدم، ۱۳۹۶: ۱۶۱). ارزیابی، ارزش‌گذاری و داوری، دستاورد تفکر انتقادی است که پس از تلاش در درک اثر و دریافت هدف آن فراهم می‌آید و منتقد را به آستانه دانایی می‌رساند و



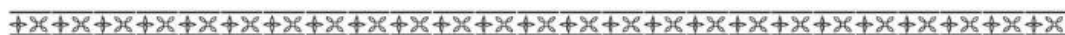


خواننده را در درک و برخورداری بیشتر اثریاری می‌کند. حصول تفکر انتقادی تنها با تکیه بر محفوظات، دانسته‌های گذشته، پیشینه فرهنگی یا آموزه‌های محیط پیرامون به دست نمی‌آید بلکه از راه پردازش داده‌ها، مفهوم پردازی و تحلیل اصول و روش‌های نظریه پردازان فراهم می‌شود.

لازمه تفکر انتقادی، شناخت تفکر است. «تفکر یعنی دستکاری و انتقال اطلاعات موجود در حافظه. این فرایند به منظور اندیشیدنِ خلاقانه، مفهوم‌سازی، تفکر انتقادی، استدلال، تصمیم‌گیری و حل مسئله انجام می‌گیرد» (عسگری، ۱۳۹۱: ۳۸). هدف از تفکر انتقادی، نقد و بررسی موشکافانه تولید دانشی است که نوآفرینی و اعتلای فکر و اندیشه بشری را سبب شود. تفکر انتقادی اندیشه را تجزیه و تحلیل می‌کند و تفکر را ارزیابی و اندیشمندی را بارور ساخته و جلا می‌دهد. تفکر انتقادی به سان صافی پالاینده‌ایی عمل می‌کند که از درون خود اندیشه‌ها و قریحه‌های آدمیان را ارزیابی کرده، درجه اعتبار و اصالت آن را مشخص می‌کند و آن چه را که منشأ تحوّل و زایش بوده مهر قبولی و آن چه را که سدّ راه دانش بشری است داغ رد بر پیشانی می‌نهد (نک. سلمان پور و دیگران، ۱۳۹۹: ۸-۹).

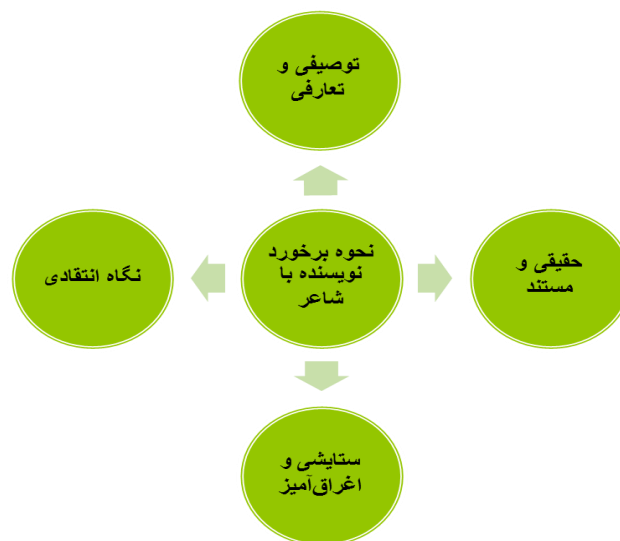
۲-۲. کارکردهای تذکره‌نویسی در فرایندهای تاریخ ادبیات‌نگاری

متن تذکره‌ها به مثابه نسل نخست تاریخ ادبیات فارسی، در فرایند تاریخ ادبیات‌نگاری جایگاهی مهم دارد. تذکره‌ها، با انتقال اطلاعات ادبی به یقین می‌توانند پژوهشگران ادبی را در کشف سنت پذیری‌ها و سنت گذاری‌ها و رویدادهای ادبی یاری کنند، سنت‌ها و بدعت‌هایی که در شعر شاعران هر روزگار نهفته است. تذکره‌نویسان، سنت‌هایی را در تذکره‌ها نگاشته‌اند که هیچ سند دیگری برای آن متصور نیست؛ گاه این یافته‌ها پایه و اساس پژوهشی دقیق قرار گرفته‌اند. تذکره‌ها، موجب بسط و گسترش پژوهش‌های تاریخ ادبی، ارتقای سطح نقد و داوری و توصیف شیوه نقد متقدمان ادبی، شناخت جریان‌های ادبی و بازشناسی رویدادهای تاریخی، تبیین سنت‌های ادبی و آشنایی با فرایند سنت گذاری و سنت پذیری و معرفی ادبیات بومی، زبان‌ها و فرهنگ قومی و ادبیات محلی می‌شود. شیوه نگارش تذکره، بیانگر سبک غالب زمان و روزگار دوره تذکره‌نویس است. تذکره‌نویسان از ذوق هنری عصر خویش تاثیر پذیرفته که بر کیفیت شیوه نگارش ایشان تأثیر مستقیم داشته است. تذکره‌ها آکنده از نکته‌های ناب و نایاب ادبی و سرشار از گفته‌ها و موازین فرهنگی، هنری، تاریخی و اجتماعی اند. هنوز هم بهترین ابزار شناخت سنت‌ها و فهم گذشته ادبی و فرهنگی ما تذکره‌ها هستند و روشن‌ترین آینه تمام‌نمای فرهنگ ادبی از گذشته‌ها تا عصر خویشند. می‌توان گفت هر کس بتواند یک تذکره مهم و اساسی مثل لباب‌الالباب، تذکره‌الشعرا، تحفه‌سامی، آتشکده، خلاصه‌الاشعار، ریحانة‌الادب و مجمع‌الفصحرا را از آغاز تا پایان، دقیق و درست بخواند، می‌تواند به سرشت



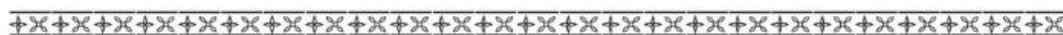


نکنه‌ها، گفته‌ها، سروده‌ها و حتی ناگفته‌ها پی ببرد، بنیان‌های ادبیات کلاسیک فارسی را دریابد و به حقیقت سنت‌ها و موازین ادبی ایرانی آگاه شود (ر.ک: محبتی، ۱۳۸۸: ۱۶). به طور کلی نحوه برخورد تذکره‌نویسان با شاعران را می‌توان در نمودار زیر نشان داد. شمار اندکی از تذکره‌ها، رویکرد انتقادی نسبت به شعر و شاعر داشته‌اند، از آن جمله است: لباب‌الالباب (۱۸۶۱ق.)، تذکره الشعر (۱۹۲ق.)، مجالس النفایس (۹۲۸ق.) و تحفه سامی (۹۵۷ق.).



در متن‌شناسی انتقادی تذکره‌ها، نباید کارکردهای تذکره‌نویسی در تاریخ ادبیات‌نگاری را فراموش کرد: کارکرد تذکره‌ها در بسط و گسترش پژوهش‌های تاریخ ادبی، کارکرد تذکره‌ها در ارائه روش‌ها و معیارهای معتبر نویسنده‌نگاری و تاریخ‌نگاری، کارکرد تذکره‌ها در تبیین مباحث نقد و داوری، کارکرد تذکره‌ها در متن‌شناسی ادبی و شناساندن رخداد‌های تاریخی، کارکرد تذکره‌ها در تبیین سنت‌های ادبی و تکوین هویت ملی، کارکرد تذکره‌ها در تبیین سنت‌گذاری و سنت‌پذیری، کارکرد تذکره‌ها در شناسایی و توصیف شیوه نقد متقدمان ادبی، کارکرد تذکره‌ها در شناساندن و معرفی ادبیات بومی، زبان‌ها و فرهنگ قومی و ادبیات محلی داخل و خارج از ایران و مواردی از این دست (ر.ک: سلمان پور و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳-۹).

در مسیر متن‌شناسی تذکره‌ها بر پایه رویکرد تفکر انتقادی، این‌گونه پرسش‌ها نیز فراروی پژوهشگر قرار می‌گیرد: کدام‌گونه از تذکره‌ها قادرند بهتر هدف نویسنده را از نگارش آن تأمین کنند؟ تذکره تا کجا توانسته است جریان ساز باشد؟ عوامل پیدایش متن‌های تذکره‌ای تا چه اندازه تاثیرگذار بوده‌است؟ عوامل فرازوفروود متن‌های





تذکره‌ای کدامند؟

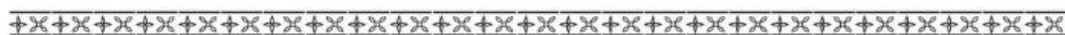
۳- بحث و بررسی و تحلیل داده‌ها

از نخستین تذکره به زبان فارسی در سال ۵۳۰ق. تا سده ۱۰ ق. یعنی تا سال ۹۲۸ق. ۱۴ تذکره به زبان فارسی بر جای مانده است به این ترتیب (ر.ک: فتوحی، ۱۳۷۸: ۲۷۹):

- | | |
|--------------------------|-----------------------------|
| ۱- مناقب الشعرا: ح ۵۳۰ق. | ۸- مجمل فصیحی: ۸۴۵ق. |
| ۲- چهار مقاله: ۵۵۰ق. | ۹- تاریخ کبیر: ۸۴۵ق. |
| ۳- تاریخ بیهق: ۵۶۰ق. | ۱۰- تاریخ صدر جهان: ح ۸۶۳ق. |
| ۴- تذکره مصور: ۵۸۰ق. | ۱۱- نفحات الانس: ۸۸۳ق. |
| ۵- لباب الالباب: ۶۱۸ق. | ۱۲- بهارستان: ۸۹۲ق. |
| ۶- تاریخ گزیده: ۷۳۰ق. | ۱۳- تذکره الشعرا: ۸۹۲ق. |
| ۷- لطایف اشرفی: ح ۷۹۰ق. | ۱۴- روضه الصفا: ۸۹۹ق. |

از این ۱۴ تذکره، که شماری از آن‌ها در طبقه بندی «تاریخ- تذکره» و شماری در «رساله- تذکره» جای می‌گیرند (ر.ک: شفیعین، ۱۳۹۳: ۹۰-۸۹) چهار تذکره نخست، به دوره پیشامغولی و بقیه به دوره پسامغولی مربوط است. از میان این تذکره‌ها، باید تذکره‌هایی را برگزید که با هدف متن‌شناسی انتقادی به عنوان جامعه آماری تطبیق داشته باشد. در متن‌شناسی انتقادی تذکره‌ها در حوزه ادبیات، باید آگاه بود متن‌های ادبی متأثر از عوامل اجتماعی و عوامل برون‌متنی شکل می‌گیرد مانند: باورهای مذهبی، گرایش‌های ایدئولوژیکی، نهضت‌ها، آشوب‌ها، جغرافیای بومی، ستایش‌گران، ذوق زمان، ژانر ادبی، سبک نوشتاری و انگیزه‌های درونی (ر.ک: عالی عباس‌آباد، ۱۳۹۱: ۳۳۱). شفیع کدکنی در جستجوی ریشه‌های تحول شعر فارسی، دگرگونی در نهادهای اجتماعی، دگرگونی در اقتصاد، اصلاحات اجتماعی و دیدگاه‌های مختلف فرهنگی را نیز از عوامل با نفوذ مقتدرانه ایجاد جریان‌ها و تغییرات می‌داند (شفیع کدکنی ۱۳۹۰: ۹). از این رو، در متن‌شناسی انتقادی تذکره‌های فارسی تا سده ۱۰ ق. باید عوامل درون‌متنی و برون‌متنی را کاوید و بازساخت. ضمن آن که در متن‌شناسی انتقادی تذکره‌ها، نباید کارکردهای تذکره‌نویسی در تاریخ ادبیات‌نگاری را فراموش کرد.

نادیده گرفتن تذکره‌نویس به مقوله شرح حال و تاریخ ادبی، عنوان پدیده‌ای منسجم و در چارچوب یک جریان و به مثابه کلیتی نظام‌مند و اندام‌وار، بی‌توجهی به جریان‌های تاثیرگذار در فرایند تذکره‌نویسی، نادیده گرفتن عوامل فرامتنی در تدوین تذکره‌ها، غفلت از جهان‌نگری شاعران و نظام جمال‌شناسی، بلاغی و فکری شاعر و نویسنده و





نیز ناآشنایی تذکره نویس با مبانی نظریه و نقد ادبی، از جمله کاستی‌هایی است که به شماری از این تذکره‌ها راه یافته است.

۳-۱. متن‌شناسی انتقادی تذکره‌های دوره پیشامغولی

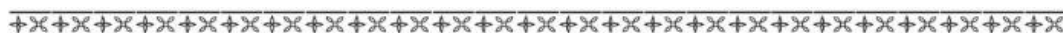
از میان ۱۴ تذکره حدواسط بین نخستین تذکره در ۵۳۰ ق. تا آغاز سده ۱۰ ق. یعنی تا سال ۸۹۹ ق. به متن‌شناسی انتقادی شماری از تذکره‌های برگزیده می‌پردازیم و از چهار تذکره دوره پیشامغولی (مناقب الشعرا، چهار مقاله، تاریخ بیهق و تذکره مصور) چهار مقاله را که بیشترین تاثیر را بر شکل گرفتن سنت‌های ادبی و بوطیقای شعری ادیبان و تذکره‌نویسان پسین داشت و در متن‌شناسی انتقادی تذکره نویسی، بیشتر درخور بررسی است می‌پردازیم:

۳-۱-۱. چهار مقاله (۵۵۰ ق.): نظامی عروضی سمرقندی

چهارمقاله از حیث دربرگرفتن مطالب تاریخی هر چند ضعیف و دارای اغلاط تاریخی و نیز تراجم مشاهیر اعلام، جایگاه درخوری دارد. محمد قزوینی، مصحح چهارمقاله در مقدمه خود بر آن است که این کتاب از حیث سبک انشا، آن که در ایجاز لفظ و اشباع معنی و سلاست کلام و خلوص از متعاطفات مترادفه و اسجاع ثقیله و صنایع لفظیه بارده که شیوه ناخوش غالب نویسندگان ایران بخصوص متأخرین ایشان بوده، سرمشق انشا و نمونه چیزنویسی هر ایرانی جدید باید باشد (نظامی عروضی، ۱۳۴۱: سه - چهار).

چهارمقاله، در شناخت ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی دوران خویش سهمی به سزا دارد. نظامی عروضی، شاعر را با کلامی ساده و روان و در عین حال متصف به صنایع و آرایه‌های ادبی، او ضاع اجتماعی و فرهنگی را نیز شرح می‌دهد. در باره فرخی می‌گوید: «طبعی به غایت نیکو داشت و شعر خوش‌گفتی و چنگ‌تر زدی و خدمت دهقانی کردی از دهاقین سیستان (نظامی عروضی، ۱۳۴۱: ۳۵). این عبارات علاوه بر معرفی تمایلات و سبک زندگی خود نظامی، گویای نقد شعر شاعر و چگونگی زندگی اوست که البته بسامد زیاد واژه‌های ستایشی آن جای تأمل و اندیشه دارد. در جای دیگر سلطان خضر بن ابراهیم را این‌گونه توصیف می‌کند: «عظیم طراوتی داشت و شگرف سیاستی و مهابتی که بیش از آن نبود، او پادشاه خردمند و عادل و ملک‌آرای بود (نظامی عروضی، ۱۳۴۱: ۴۴) و حکیم فردوسی را این‌گونه: «در عجم سخنی بدین فصاحت نمی‌بینم و در بسیاری از عرب هم» (نظامی عروضی، ۱۳۴۱: ۴۶). او شاعران را این‌گونه پند می‌دهد:

شاعر بدین درجه نرسد الا که در عنفوان شباب و در روزگار جوانی بیست هزار بیت از اشعار





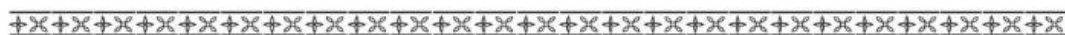
متقدمان یاد گیرد و ده هزار کلمه از اثر پیشینیان پیش چشم کند و پیوسته دواوین استادان همی خواند و یاد همی گیرد که درآمد و بیرون شد ایشان از مضایق و دقایق سخن بر چه وجه بوده است تا طرق و انواع شعر در طبع او مرتسم شود و عیب و هنر شعر بر صحیفه‌ی خرد او منقش گردد تا سخنش روی در ترقی دارد و طبعش به جانب علو میل کند (نظامی عروضی، ۱۳۸۳: ۴۷).

نظامی عروضی در چهارمقاله، تنها به تراجم ده شاعر در ده حکایت بسنده کرده است (رودکی، عنصری، فرخی سیستانی، ازرقی، مسعود سعد، رشیدی، فردوسی، نظامی و دو امیر شاعر) و جامعه آماری وی اندک است، حال آن که شمار شاعرانی که در روزگار وی و در سده‌های ۵ و ۶ ق. می زیستند و نام ایشان در برخی تذکره‌ها ذکر شده است بسیار است، که در این میان، به بسیاری از این شاعران در سه تذکره دیگر این پژوهش اشاره ای شده و در چهارمقاله از آن‌ها نامی به میان نیامده است. نظامی عروضی، معیار و دلیلی هم برای گزینش این اندک شاعران بیان نکرده است، اما با توجه به رویکرد سنتی نظامی عروضی، به نظر می رسد ساختارهای اجتماعی حاکم بر جامعه و نگرش حاکمیتی را نباید از نظر دور داشت.

ساختار نحوی و جمله بندی نظامی عروضی در تذکره نویسی و تراجم این شاعران، در حد میانه است و از اطناب و ایجاز دوری گزیده و در همین تراجم‌های مساوات گونه و گاه ایجاز گونه این شاعران، کوشیده است به داده‌های خود گاه عمق می بخشد و اطلاعاتی در حوزه نقد ادبی سنتی، سبک‌شناسی تاریخی و تاریخ ادبیات- کم و بیش- به دست می دهد؛ در عین حال، دریافت‌هایی کلی و مبتنی بر سنت‌های ادبی. نظامی عروضی سمرقندی غالباً در چارچوب حکایت‌هایی به تراجم و بیان نمونه‌هایی از شعر این شاعران پرداخته است. ده شاعری که نظامی عروضی در چهارمقاله به آن‌ها پرداخته، در سه تذکره دیگر مورد بررسی در این مقاله، کمتر کاویده شده است.

نظامی عروضی در عبارت پردازی چهارمقاله، علاوه بر پیروی از اصول فصاحت و بلاغت، طرز و اسلوب مخصوص به فارسی را از دست نداده و در تقدیم و تأخیر کلمات و فضل و وصل جمله‌ها از حدود نحو فارسی تجاوز نکرده است.

- **رویکرد انتقادی:** دیدگاه انتقادی نظامی عروضی در دو مقاله «شاعری» و «دبیری» بیان شده است، به ویژه در مقاله شاعری که دربرگیرنده دریافت‌های انتقادی نظری است. در عین حال، دریافت‌های نویسنده، کلی، موجه و مبتنی بر سنت‌های ادبی سده‌های ۵ و ۶ ق. و گاه ناپذیرفتنی است. «اگرچه بسیاری از نکته‌های تاریخی و استنباط‌های ادبی صاحب چهارمقاله خالی از اشکال و تسامحی نیست، اما، نکات متعدد انتقادی و در عین حال





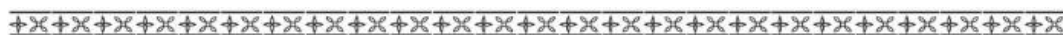
بدیع کتاب، آن را به صورت یکی از منابع قابل اعتنا در نقد گذشته درآورده است» (امامی، ۱۳۷۷: ۳۲). نظامی عروضی گویا با نگاهی سنتی تر به ادیبان روزگار و شاعران نوکار این گونه گوشزد می‌کند:

هرکرا طبع در نظم شعر را سخ شد و سخنش هموار گشت، روی به علم شعر آرد و عروض بخواند و گرد تصانیف ابوالحسن السرخسی البهرامی گردد چون غایه العروضین و کنزالقافیه و نقد معانی و نقد الفاظ و سرقات و تراجم و انواع این علوم بخواند بر استادی که آن داند تا نام استادی را سزاوار شود و اسم او در صحیفه روزگار پدید آید (نظامی عروضی، ۱۳۸۳: ۴۸).

سنت گرای نظامی عروضی، موجب تک بعدی شدن معنا و عدم نوآوری و خلاقیت در چهارمقاله شده است. قزوینی در مقدمه کتاب چهارمقاله، نظامی عروضی را در ثبت دقیق تاریخ، اعلام و اسامی ضعیف دانسته و چندین سهو وی را با استناد به سایر منابع به طور مفصل شرح می‌دهد (نک. نظامی عروضی، ۱۳۴۱: ۱۱). ناتوانی چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی در حوزه پژوهش‌های تاریخ ادبی، ارائه روش‌ها و معیارهای معتبر نویسندگی، تبیین مباحث نقد و داوری و سنت‌های ادبی، از جمله مشکلاتی است که این کتاب را آسیب پذیر کرده است. نگرش نظامی عروضی درباره تأثیر شعر، جایگاه درخوری در متن شناسی شعر پس از او دارد و تا حد زیادی بیانگر نزدیکی دیدگاه نویسندگان به بوطیقای شعر شناسی ارسطو و نگرش اخلاقی افلاطون و ارسطو است، آن گاه که می‌نویسد:

شاعری صنعتی است که شاعر بدان صنعت اتساق مقدمات موهمه کند و التئام قیاسات منتجه، بر آن وجه که معنی خرد را بزرگ گرداند و معنی بزرگ را خرد، و نیکورا در خلعت زشت باز نماید و زشت را در صورت نیکو جلوه کند و بایهام قوت‌های غضبانی و شهوانی را برانگیزد، تا بدان ایهام طبع را انقباضی و انبساطی بود و امور عظام را در نظام عالم سبب شود (نظامی عروضی، ۱۳۸۳: ۴۲۸).

استنباط‌های نظامی عروضی در این سطرها، بازتابنده آرای ادبی و انتقادی پیش از خود و استنباط‌های ادبی خوداوست که بر جریان‌های تعریف شعر پس از وی تأثیر گذار بوده است. استنباط‌هایی مانند: مخیل بودن شعر؛ مبتنی بودن شعر بر پایه قیاسات؛ تفاوت صدق و کذب شعری با صدق و کذب منطقی؛ تأثیرگذاری شعر به مثابه هدف نهایی شعر؛ امکان برخورداری شعر از نتیجه اخلاقی ولی عدم الزام شعر به مقوله اخلاق به عنوان نخستین معیار تغییر ناپذیر شعر. اهمیت دادن نظامی عروضی به صفات نامربوط به اصل شعر، جنبه تأثیرگذاری شعر، تعریف شعر و ویژگی‌های شاعر و موضوع نقد شعر، از جمله عوامل جریان ساز در نگاه تذکره نویسان و ادیبان





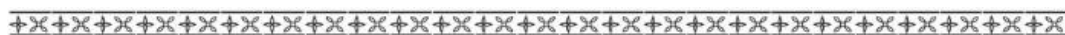
پس از اوست که هر چند نگرشی سنت‌گرایانه رانداعی می‌کند اما از تأثیرگذاری‌های چهارمقاله به شمار می‌رود و در چارچوب متن‌شناسی انتقادی در خور بررسی است. در عین حال، چهارمقاله، فاقد دیدگاه‌هایی محکم و استوار در حوزه انتقادی است، مختصر و مجمل‌گویی این کتاب و کوتاهی حجم یک مقالت (مقالت شاعری) از میان مقالت‌های چهارگانه، مانع از نقد جدی شعری شود. سلیقه شخصی و داشتن اغراض خاص در این کتاب نیز به پیروی از سنت ادبی سده‌های ۴ و ۵ ق. دیده می‌شود. ضمن آن که نباید فراموش کرد در جامعه‌ای مانند جامعه ایران سده‌های ۴ تا ۶ ق. و حتی پس از آن، که نقد ادبی در کنار نقد اجتماعی، نقد سیاسی و نقد فکری، وجود عینی ندارد و عدم آشنایی تذکره‌نویسان با مباحث نظری و فلسفی نقد ادبی و نیز با نظام فکری منسجم نظریه و نظریه پردازی ادبی، پیداست تفکر انتقادی در این کتاب، چندان ره به جایی نمی‌برد و از کتاب چهارمقاله که نویسنده در قید و بند سنت‌های ادبی روزگار خود گرفتار است، نباید بیش از این نیز انتظار داشت.

۲-۳. متن‌شناسی انتقادی تذکره‌های دوره پسامغولی تا سده ۱۰ ق.

دوره پسامغولی تا سده ۱۰ ق. دست کم ده تذکره به زبان فارسی نگاشته شد از جمله: لباب‌الالباب: ۱۸ ق.؛ تاریخ‌گزیده: ۷۳۰ ق.؛ لطایف اشرفی: ح ۷۹۰ ق.؛ مجمل فصیحی: ۸۴۵ ق.؛ تاریخ کبیر: ۸۴۵ ق.؛ تاریخ صدر جهان: ح ۸۶۳ ق.؛ نفحات الانس: ۸۸۳ ق.؛ بهارستان: ۸۹۲ ق.؛ تذکره الشعرا: ۸۹۲ ق. که به تحلیل انتقادی سه نمونه از این تذکره-های تأثیرگذار و جریان‌ساز (لباب‌الالباب، نفحات الانس و تذکره الشعرا) می‌پردازیم، تذکره‌هایی که دیگر تذکره‌ها در زیر سایه این سه تذکره جای می‌گیرند:

۱-۲-۳. لباب‌الالباب (۱۸ ق.): سدیدالدین محمد عوفی بخارایی

نخستین کتاب تذکره فارسی زبان به جامانده از دوران پسامغولی که در اوایل هجوم مغولان در ۱۷ ق. به ایران نگاشته شد و به معنای واقعی، شرح احوال شاعران و نویسندگان و تراجم است. این اثر به سبب آوردن نام و نمونه‌هایی از شعرهای بسیاری از شاعران فارسی زبان که در هیچ جای دیگری شناسانده نشده‌اند، دارای اهمیت ویژه‌ای است. مؤلف کتاب، انسان با فضل و بافضیلتی بوده که کتاب را بر مبنای رده‌بندی و طبقه‌بندی استوار کرده، به جمع و تدوین حکایت، علاقه وافر داشته و بعید نیست که درباره هر شاعری هر قصه‌ای که رایج بوده است ذکر کرده باشد. لباب‌الالباب در نوع خود کتاب جامعی است و الگوی دیگر تذکره‌نویسان و دربرگیرنده ارزش‌های انتقادی در خوری بوده است. لباب‌الالباب را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش نخست ذکر حال شاعران بلندپایه درباری و مورد توجه نویسنده و بخش دوم عموم شاعران. این طبقه‌بندی، نویسنده را از نقد جایگاه و درجه شعری شاعران دور می‌کند. با آوردن نمونه‌ها و ذکر وصفی، شعری را بر دیگر آثار شاعر رجحان و برتری می‌دهد که می‌تواند

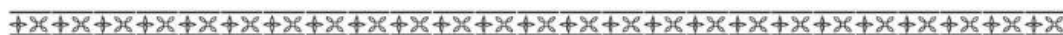




نقد شعر شاعر در مقایسه با خود شاعر باشد نه با دیگر شاعران؛ مانند تمجید از شعری که منصور الرازی سروده، می‌گوید: «هم او راست در این معنی سحر کرده» (عوفی، ۱۳۹۱: ۲۳۶). پس از تعریف و تعارف در نظم و فضل لیبیبی، قصیده‌سرایی وی را رجحان داده و می‌گوید: «این قصیده گفته و داد سخن بداده» (عوفی، ۱۳۹۱: ۲۵۴). در جای دیگر، عسجدی مروزی را عسجد کان بلاغت و اختر آسمان فصاحت می‌داند ولی فضل وی را برتری داده و بر صدق ادعایش قصیده‌ایی برهان می‌آورد و می‌گوید: «این قصیده مکرر، برهان فضل وافر وی است» (عوفی، ۱۳۹۱: ۲۶۲). در جایی قصیده‌سرایی همام عبدالواسع الجبلی الادیب را چون معشوقی نگار و چابک و دلیر ستوده ولی غزل‌سرایی اش را مرصع می‌خواند: «این غزل مزاج نسیم شمال دارد، از مهب فضل و افضال او متنسم شده و شکوفه در بستان قریحه‌اش متبسم گشته» (عوفی، ۱۳۹۱: ۲۹۵). به کارگیری واژه‌های عربی و دستورقواعد آن در کلام سدیدالدین عوفی نمایان است. در معرفی شاعران نیز عربی را با فارسی درهم آمیخته و با شرح مختصری از انساب و اصالت شاعر، با آوردن نمونه‌ای از شعر، وی را نقد می‌کند. در مورد انوری می‌نویسد: «و هو اوحدالدین خاوراتی معاصر سلطان سنجر و مداح او بود و از اکثر علوم بهره‌مند و این قطعه دالست بر فضیلت و کسب کمالات او» (عوفی، ۱۳۹۱: ۳۱۸).

سدیدالدین محمد عوفی بخارایی، با پرداختن به شرح حال صد و هفتاد شاعر، در جریان تذکره‌نویسی نقشی در خوری ایفا کرده که این روند نویسنده، سبب شکل‌گیری نوع ادبی جدیدی از تذکره‌نویسی در فرایند جریان سازی تاریخ سنتی ادبیات فارسی شده است. تقلیدها و نظیره‌های بسیاری که از لباب‌الالباب نگاشته شده، بیانگر تاثیرگذاری این اثر در جریان شناس تذکره‌نویسی در ادب فارسی است. لباب‌الالباب در مقایسه با سه تذکره مورد بحث در این مقاله، به لحاظ ارائه معیار و دلیل‌گزینش شاعران و دسته‌بندی آنان، نشان می‌دهد اندیشه ادبی حاکم بر جامعه و ذوق و سلیقه ادبی حاکم بر جامعه سده ۷ ق. بر گزینش این شاعران بی‌تأثیر است و ساختارهای اجتماعی حاکم بر زمانه سدیدالدین محمد عوفی، تاثیر بیشتری دارند.

- **رویکرد انتقادی:** لباب‌الباب به رغم داشتن فواید انتقادی، در سجع و انشاپردازی به افراط گراییده است، آن چه از نگاه انتقادی این کتاب برمی‌آید، در نهایت ایجاز است، از جمله درباره منجیک ترمذی: «منجیک از ساحران شاعران بود، شعری غریب و الفاظی خوب و معانی بکر و عبارتی بلیغ و استعارتی نادر» (عوفی، ۱۳۹۱: ۱۳). لباب‌الالباب، دارای نثری مصنوع و پرتکلف است؛ درک معنای کلمات دشوار و دیریاب آن به آسانی ممکن نیست و آرایه‌های ادبی در آن فراوان است. این ویژگی، دریافت منظور و هدف نویسنده را برای خواننده دشوار می‌سازد. رده بندی و طبقه بندی لباب‌الباب درباره شاعران، به لحاظ پایگاه و موقعیت اجتماعی صورت گرفته که از نقاط ضعف



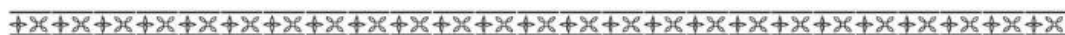


لباب‌الالباب به شمار می‌آید. نویسندۀ لباب‌الباب، به رغم ذکر نمونه‌های شعر شاعران، به ارزش‌شاعری، چندان توجه نکرده است و درباره‌ی شاعران، گاه آن چنان مختصر و موجز سخن گفته است که مجال برای نقد شعر و مفاهیم ادبی حاصل نمی‌شود و گاه چنان مبهم و کلی که کمتر فایده‌ای برای نقدشعر به خواننده ارائه می‌کند. لفاظی‌ها، ابهام‌گویی‌ها و مجامله‌های این تذکره، از ویژگی‌های آن است که به بسیاری از تذکره‌های فارسی راه یافته است. سدیدالدین محمد عوفی، به رغم برخی باریک‌بینی‌ها و معیارهای استدلالی، نتوانسته است خود را به سادگی از قید و بندهای سنت‌های ادبی روزگار خویش برهاند.

۲-۲-۳. نفحات‌الانس (۸۸۳ق.): نورالدین عبدالرحمان جامی

نفحات‌الانس عبدالرحمان جامی، تذکره‌شناخته‌شده‌ای است به پیروی از سبک لباب‌الالباب که زندگی‌نامه‌ی ۶۱۸ شاعر را شرح می‌دهد. مانند دوره‌ی بازگشت ادبی، جامی به روش گذشتگان چون عوفی و به محتوا و مضامین چون طبقات‌الصوفیه خواجه عبدالله انصاری روی آورده و تذکره‌ی مشایخ را با نثری استوار و پخته در شرح احوال عارفان و صوفیان نگاشته است. نفحات‌الانس با وجود تأثیرپذیری از تذکره‌های پیشین بر آثار بعد از خود اثر گذاشته است، زبان این تذکره، صورت تطوّر یافته‌ای از زبان هرات قرن پنجم بوده و از گویش قدیم هروی تأثیر پذیرفته است. لغات هروی (خراسانی) قدیم و عربی در آن بیشتر است و فعل‌های خاص گویش هروی رابه‌کار گرفته است. سبک نگارش نفحات‌الانس، کهن‌گرایی است، مانند کاربرد «ذ» به جای «د» گاه و «ک» به جای «گ». یا تخفیف حروف مانند «درین» به جای «دراین» و «ازیشان» به جای «از ایشان». جابه‌جایی و تبدیل برخی از اجزای جمله چون «برای خود سؤال می‌کن» یا «وقتی جنید را» به کار برده است، در معرفی حارث‌المحاسبی می‌گوید «از طبقه‌ی اولی است. کنیت او ابوعبدالله و از علمای مشایخ است و قدمای ایشان. جامع علوم ظاهر و علوم اصول و معاملات و اشارات. وی را تصانیف بوده. استاد بغدادیان است. به اصل از بصره است اما در بغداد برفته از دنیا، در سنه‌ی ثلاث و اربعین و مائین پس از احمد حنبل به دو سال» (جامی، ۱۳۸۶: ۴۸۳) مقصود از این معارف، تاریخ ولادت و وفات ایشان، ذکر سیر و احوال و معارف و کرامات و مقامات ایشان بود که به صدق راه بادیه‌ی طلب را سپرده‌اند. بنا به بهره‌گیری فراوان از طبقات‌الصوفیه، کشف‌المحجوب، اسرارالتوحید، مقامات ژنده‌پیل، مناقب، چهل‌مجلس و مصباح‌الهدایه، نثر نفحات‌الانس زبان واحد و یکرنگی نمی‌تواند باشد (جامی، ۱۳۸۶: ۳۵). ضمن آن که در سده‌ی ۹ق. تذکره نویسی به اوج خود می‌رسد و در این سده، جامی، بهارستان و دولت‌شاه سمرقندی، تذکره‌ی الشعرا را نگاشته که به گمان خود، نخستین تذکره نویسی است.

با توجه به پیشینه‌ی تربیتی نورالدین عبدالرحمان جامی، به نظر می‌رسد پیوند وی با تصوّف، شوق معرفت



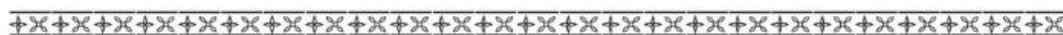


عارفان و ذکر شرح حال و کرامات ایشان سبب تدوین تذکرهٔ نفحات الانس شد. این تذکره، با هدف و انگیزهٔ باوربخشی و یقین‌آوری خوانندگان به مقامات مشایخ طایفهٔ صوفیه نگاشته شد. به رغم چنین هدف و انگیزهٔ ای، تراجم و شرح حال تذکرهٔ نفحات الانس در نهایت ایجاز است. در معرفی خواجه فغنوی می‌آورد «وی از خلفای خواجه عارف است» (جامی، ۱۳۸۶: ۳۸۵) و به همین بیان ایجاز بسنده می‌کند؛ حتی پیرامون شاعران بزرگ عارف مسلکی چون حکیم سنایی، صرفاً به ذکر کنیه و نام پدر بسنده می‌کند و بی‌درنگ، به حکایت حالات وی می‌پردازد. ارادت نورالدین عبدالرحمان جامی به صوفیه به حذف برخی شاعران نامی غیر صوفی در تذکرهٔ نفحات الانس، منجر شده و این تذکره را مختص شاعران صوفی مسلک تبدیل کرده است. دقت و حوصله جامی در نفحات الانس، در ذکر سیر کرامات و احوال ۶۱۸ عارف و صوفی، گنجینه‌ای بزرگ از داده‌های عارفانه و صوفیانه را فراهم می‌آورد. نفحات الانس برخلاف برخی تذکره‌ها که از ذکر شاعران زن، غافل مانده‌اند، به تراجم چند شاعرزن پرداخته است؛ بدیهی است تنها شاعران زن عارف را برجسته و متمایز می‌سازد.

زبان متنوع و گوناگون نفحات الانس نیز از ویژگی‌های بارز این تذکره است. جامی منابع و مآخذ زیادی را پیش چشم داشته و در اخذ و اقتباس آن‌ها امانت‌دار است، زبان نفحات الانس فاقد یک‌پارچگی و هماهنگی است. این موضوع، گاه سادگی و روانی را از آن دور می‌کند و می‌توان تنوع و گوناگونی زبانی را در آن به آشکاری دید.

- رویکرد انتقادی: نفحات الانس، به رغم آوازهٔ خود، فاقد دیدگاه‌هایی استوار و موجه در ابعاد انتقادی است و گاه چنان مبهم و کلی دربارهٔ نمونه‌های شعرشاعران سخن گفته شده که کمتر فایده‌ای از نظر نقد شعر به خواننده به دست می‌دهد. ساختار غیر منسجم نفحات الانس، به گونه‌ای است که هیچ‌گونه نظم منطقی در طبقه‌بندی و رده‌بندی زندگی‌نامه‌ها به لحاظ تاریخی و جغرافیایی در آن دیده نمی‌شود و شرح حال شاعران، بدون ارتباط منطقی در پی یکدیگر ذکر شده و مبهم‌اند. ضمن آن که «سخن را بیشتر به تقلید گفته و از تکلف پرهیز نداشته است» (جامی، ۱۳۸۶: ۳). در نفحات الانس، ذکر نمونه‌های شعری شاعران و سبب سرایش آن‌ها، گرچه سودمند است، ولی چون معیاری در گزینش شاعران که شرح احوال برخی را به طول و تفصیل و برخی دیگر را موجز و مختصر بیان می‌کند به دست نمی‌دهد ارزش این تذکره کاسته است.

ایجاز‌گرایی جامی در معرفی شاعران به گونه‌ای است که به این تذکره آسیب رسانده است. در معرفی خواجه فغنوی به این عبارت بسنده می‌کند: «وی از خلفای خواجه عارف است» (جامی، ۱۳۸۶: ۳۸۵). حتی شاعران بزرگ عارف مسلکی چون حکیم سنایی را که حکیم خوانده صرفاً به ذکر کنیه و نام پدر بسنده کرده است و به حکایت حالات وی نمی‌پردازد. ارادت وی به صوفیه به حذف برخی شاعران نامی غیر صوفی، منجر شده و این تذکره را به





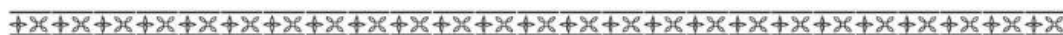
تذکره شاعران عارف مسلک تبدیل کرده است. به رغم آن که نورالدین عبدالرحمان جامی، منابع و مأخذ زیادی را پیش چشم داشته و در اقتباس آن‌ها امانتدار است، زبان نفحات الانس فاقد یک پارچگی و یکدستی است. این موضوع، گاه سادگی و روانی را از آن دور می‌کند و می‌توان چند گونگی زبانی را در آن به وضوح دید که به سبک نویسندگی این تذکره آسیب می‌رساند.

نورالدین عبدالرحمان جامی، تذکره دیگری نگاشته است به نام بهارستان، که در آن، درباره شاعران، گاه آن چنان به موجزگرایی، مبهم و کلی گویی روی آورده که کمتر مجالی برای نقد شعر حاصل می‌شود و این موجب می‌شود ارزشمندی این تذکره در نقد شعر در مقایسه با نفحات الانس، کاهش یابد و گاه، تنها با بیان چند تحسین و تمجید از ذکر دقیق تاریخ‌ها، شیوه نگارش، رویدادها و واقعیت‌های تاریخی بسنده کرده است. در شرح حال شاعران، برخی را به ذکر اصل و نسب، پیشه و هنرها و حتی شوکت و مکتب وی پرداخته است عموماً به شرح حال شاعران پرداخته و از احوال نثرنویسان با وجود آن که خود نثرنویس توانمندی است، ذکری به میان نیاورده است.

۳-۲-۳. تذکره الشعر (۸۹۲ق.): دولت‌شاه سمرقندی

دولت‌شاه سمرقندی، تاریخ سلاطین گذشته، شرح احوال مشاهیر و شاعران را در حالی تألیف کرده است که به گمان خویش نخستین کسی است که تذکره می‌نویسد. نخستین بار بود که در تذکره ای، مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار می‌گرفت و به عنوان پدیده‌ای اثرگذار در سرگذشت و شعر شاعران مطرح می‌شد. واژه‌های تذکره الشعر ساده و زودفهم و البته با بسامد بالای واژه‌های عربی است. در معرفی افضل‌الدین خاقانی می‌گوید: «در علم بی نظیر است و در شعر استاد» (سمرقندی، ۱۳۸۵: ۱۳۹). در معرفی اوحدالدین انوری می‌آورد: «اوصاف سخنوری و فضل او اشهر من الشمس است. از شاعران روزگار کم کسی در دانشمندی و انواع فضایل همتای او بوده» (سمرقندی، ۱۳۸۵: ۱۴۸).

دولت‌شاه سمرقندی، بر خلاف جامی، تذکره الشعرا را بدون اقتباس و ارجاع به منبع و ماخذی نوشته است. شاید داشتن اغلاط تاریخی فراوان آن ناشی از این ویژگی باشد. به نظر می‌رسد بکر بودن تذکره الشعرا سبب شده به طرز خاصی، معرف ادبیات ایران در اروپا و ممالک ترک و عرب واقع شده و به چند زبان زنده برگردانده شود. توجه دولت‌شاه سمرقندی به اعم شعرای عرب و فارس و پهلوان، ملک و مخدوم، مشهور و گمنام، تذکره الشعرا را دارای ارزش ادبی نموده و میراث ادبی و خصلت‌های فرهنگی دوران خویش را معنا می‌کند. با وجود آن که جامی و عوفی به شاعران زن پرداخته‌اند و با دقت در زمینه‌های فکری و فرهنگی دولت‌شاه، بی‌توجهی وی به زنان شاعر غریب می‌نماید. ادوارد براون در مقدمه تصحیح خود، دولت‌شاه سمرقندی را آزادمردی معرفی می‌کند که دغدغه نقصان کار



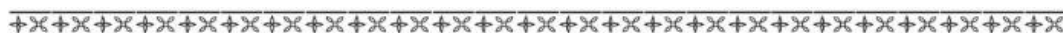


ملت و شکست شرع و سنت دارد (نک. همان، ۱۳۸۵: ۳۲) یا از سکوت و خاموشی علما در سنگدلی و درشتی و خونخواری علمداران شکایت می‌کند (ر.ک: همان، ۱۳۸۵: ۳۲) از این رو فقدان شاعران زن در تذکره وی تأمل برانگیز است.

- رویکرد انتقادی: دریافت انتقادی دولت‌شاه سمرقندی در تذکره الشعرا، بسیار کلی و گاه سطحی به نظر می‌رسد که تا حد زیادی از سنت‌های روزگار خود تاثیر پذیرفته است. به پیروی از سنت پردازش‌های سده ۹ ق. بر شعر شاعرانی مانند امیر خسرو دهلوی ایراد می‌گیرد که چون به دور از صنعت پردازش است ارزش چندانی ندارد (ر.ک: سمرقندی، ۱۳۸۵: ۱۸۹). در تذکره الشعرا، ذکر نمونه‌های شعری شاعران و سبب سرایش آن‌ها، گرچه سودمند است، ولی چون معیاری در گزینش شاعران که شرح احوال برخی را به طول و تفصیل و برخی دیگر را موجز و مختصر بیان می‌کند به دست نمی‌دهد از ارزش این تذکره کاسته است. تذکره الشعرا از حیث توجه به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی زمان شاعران، پیشگام است و تذکره‌نویس‌های پس از او دنباله‌رو دولت‌شاه هستند. به این لحاظ، دولت‌شاه سمرقندی را می‌توان مبدع گسترش قلمرو تذکره‌نویسی و تغییر کیفیت محتوا در تذکره‌ها و جریان ساز دانست و در عین حال، دولت‌شاه سمرقندی در نقادی، شجاعت خاصی دارد که این اثر را نسبت به دیگر آثار مشابه خود متمایز می‌کند.

۳-۳. بررسی تحلیلی - تطبیقی متن شناسی انتقادی تذکره‌های برگزیده دوره پیشامغولی و پسامغولی، تا آغاز سده ۱۰ ق.

در بررسی تطبیقی چهار تذکره برگزیده جریان ساز (یک تذکره پیشامغولی: چهار مقاله و سه تذکره پسامغولی: لباب‌الالباب، نفحات‌الانس، تذکره الشعرا) تا آغاز سده ۱۰ ق. در چارچوب معیارهای آشنایی تذکره‌نویس با مبانی نظریه‌های ادبی و فنون شعری، رویکرد غالب تذکره‌نویسی، گرایش به سنت‌شکنی و نوآوری در تذکره‌نویسی، ویژگی‌های تذکره‌نویس تاثیر گذار بر تدوین تذکره، ویژگی‌های سبک‌شناسی نثر، اندیشه و جمال‌شناسی، نقد و ارزیابی شاعران، بازتاب رویدادهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی و اعتبار و سندیت تذکره می‌توان به این جدول تحلیلی-تطبیقی دست یافت:





مطالعات علمی

مقالات علمی

اخبار و گزارشها

اعتبار و سندیت تذکره	بازتاب رویدادهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی	نقد و ارزیابی شاعران	ویژگی‌های سبک‌شناسی، نثر، اندیشه و جمال‌شناسی	ویژگی‌های تذکره‌نویس تأثیر گذار بر تدوین تذکره	گرایش به سنت‌شکنی و نوآوری در تذکره‌نویسی	رویکرد غالب تذکره‌نویسی	آشنایی تذکره‌نویس با مبانی نظریه‌های ادبی و فنون شعری	معیارها تذکره‌ها
کم اعتبار درحوزه اطلاعات تاریخی	اشاره ای گذرا به رویدادهای تاریخی و طرح ویژگی‌های دبیران، شاعران، منجمان و طبیبان	فاقد نقد علمی شاعران و نویسندگان و فراوانی واژه‌های ستایشی	موجز نویسی و ترکیبی از نثرمرسل و نثر فنی	نظامی عروضی؛ وابستگی به دربار و سلسله‌ای از سلاطین و امرای محلی	عمدتاً سنت‌پذیر و مقلد و در ساخت واژه‌ها، دارای نوآوری و حکایت‌نگاری	توجه بیشتر به درون مایه شعر و نثر بیش از صورت و فرم	آشنایی با بوطیقای شعری و ادبی و پرداختن به آیین‌ها و اصول دبیری و شاعری	چهار مقاله
دارای اهمیت در تراجم نویسی و اشاره به شمارزادی از شاعران ولی ناقص، کوتاه و بیشتر ذکر نمونه اشعار	بازتاب رویدادهای گوناگون همراه با ذکر حکایت بدون توجه به درستی و نادرستی حکایت‌ها	فاقد معیار علمی همراه با عبارت‌های ستایشی، توصیفی، اغراق آمیز و انشاپردازی	کاربرد استعاره، تشبیه، جناس‌های متصنع	محمدعوفی؛ متولد ماورالنهر و سفرهای متعدد به مناطق ادب‌خیز خراسان و اقامت در دربار هندوستان	سنت گذاردن‌رژانر ادبی تذکره‌نویسی و حکایت‌گویی	توجه بیشتر واژه پردازی شاعر به کاربرد تشبیه و تمثیل بعید و فاقد ذوق ادبی در انتخاب اشعار	طبقه‌بندی شاعران برپایه میزان آشنایی شاعر با فنون شاعری به دلیل آگاهی تذکره نویس بامبانی ادبی	لباب‌الالباب
معرفی کوتاه شاعران و اشاره به حکایت‌های فراوان با قابلیت استناد کم	نقل مبانی صوفیانه و عارفانه و بی توجهی به تاریخ، فرهنگ و جامعه	نقد و ارزیابی بدون نظریه ادبی و داوری فقط در چارچوب نقل گفته‌های دیگران درباره شاعران	گرایش به سبک مرسل و گاه همراه با تکلف و کاربرد زبان عربی	عبدالرحمان جامی؛ پرورش درحوزه عرفان و تصوف نقش‌بندیده و بهره مندی از مشایخ بزرگ صوفیه	نوآوری محدود در واژه‌پردازی و روی آوردن به تبدیل ساخت جمله به زبان روزگار خویش و تأثیرپذیری از آثار پیشین	توجه بیشتر به تحول فارسی هروی به فارسی دری و بررسی مقایسه‌ای درحوزه تحولات زبانی	عدم آشنایی نسبی تذکره نویس با اصول و مبانی ادبی و دوری از نگاهی علمی به فرایند آفرینش ادبی به دلیل شیفتگی در قریحه پردازی شعری و ذوق گرای عارفانی	نقحات الانس
اشاره به رویدادهای تاریخی متن و قابل استناد و بیان صفات شاهان و شاعران	توجه به رویدادهای تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی و تحلیل دلایل لشکرکشی‌ها، قتل عام، پدر و فرزند کشی و وضعیت معیشت شاعران و فضایل ایشان	نقد شجاعانه، و صریح به سبک مقایسه و موازنه با دیگر شاعران با تحلیل ادبی روشن و هدفمند	گرایش به نقل شرح حال شاعران عرب‌زبان، کاربرد جمله‌های دعایی عربی، بسامدبال ای واژه‌های عربی، جملات کوتاه با نثری ساده و زودفهم	دولتشاه سمرقندی؛ عزلت و گوشه نشینی پنجاه ساله پس از دربارنشینی در دولت تیموری و تحت تأثیر آشوب‌های زمانه	نوآوری در تأثیرگذاری تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در طبقه بندی تذکره، تحت تأثیر ذوق ادبی بانگاهی گاه انتقادی	توجه بیشتر به شرح حال‌نویسی و تراجم نگاری	آشنایی با فرهنگ و ادب و آگاهی از معیارهای ادبی و فنون شعری	تذکره الشعرا

جدول (۱) بررسی تطبیقی - تحلیلی معیارهای سنجشی تذکره‌های برگزیده دوره پیشامغولی و پسامغولی تا آغاز سده ۱۰ ق.



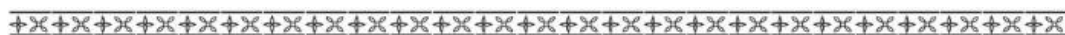
۴- نتایج و یافته‌های تحقیق

به رغم نقش تذکره‌ها، در متن‌شناسی ادبی و بازتاباندن رویدادهای تاریخی-ادبی، بسط و گسترش پژوهش‌های ادبی، شناساندن سنت‌های ادبی و هویت ملی، بازتاب پیوندها و مناسبات درونی آثار ادبی در ذوق زیبایی‌شناختی و درک روح سنت‌ها، شناساندن و معرفی ادبیات بومی و زبان‌های قومی، محلی و منطقه‌ای، اما مبهم‌گویی، کلی‌نگری سطحی‌نگری، سجع‌پردازی و لفاظی، حبّ و بغض، دوری‌گزیدن از دیدگاه‌های استوار و موجّه، پیش‌داوری و یک‌سونگری به شماری از این تذکره‌ها راه یافته است، به ویژه که فرایند تذکره‌نویسی از سده ۶ق. تا سده ۱۰ق. چشمگیر و در خورتوجه است.

با بررسی انتقادی این چهار تذکره، می‌توان دریافت در چارچوب متن‌شناسی تذکره‌نویسی، اشتراکات و افتراقات آن‌ها کدام است. نفحات‌الانس با پرداختن به ۶۱۸ شاعر، تذکره‌الشعرا ۳۰۰ شاعر و لباب‌الالباب ۱۷۰ شاعر و نویسنده، در میان این تذکره‌ها جایگاهی از حیث بسامد تذکره‌نویسی در میان این چهار تذکره ایفا کرده‌اند، حال آن‌که چهارمقاله، فقط به ۱۰ شاعر پرداخته است. نورالدین عبدالرحمان جامی، با هدف تعمیق کرامات عارفانه هر آن‌چه که از حالات ایشان مقبول می‌دانسته، بیان نموده و بیشترین تعداد شاعران را به نسبت سه تذکره دیگر، گرد آورده است و نظامی عروضی با توجه به تکریم ادبیات و تبیین معیارها و موازین علمی، با زبان ساده کمترین شاعران را گزینش کرده است.

- از نظر سبک بیانی در معرفی شاعران، سه تذکره چهارمقاله، نفحات‌الانس و تذکره‌الشعرا به حکایت‌پردازی فقط درباره شاعران پرداخته و نمونه شعری ذکر نکرده‌اند در حالی که لباب‌الالباب با شرح حال کوتاه و مفید، به آوردن نمونه‌های بلند و متعدد شعری روی آورده است.

- در میان این چهار تذکره، فقط سدیدالدین عوفی در لباب‌الالباب و نورالدین عبدالرحمان جامی در نفحات‌الانس، به رغم اختصاصی بودن موضوعی عرفان و تصوّف، به شاعران زن پرداخته و شرح حال ایشان را آورده‌اند. در حالی که نظامی عروضی در چهارمقاله و دولت‌شاه سمرقندی در تذکره‌الشعرا، تذکره‌های خود را به شاعران مرد محدود کرده‌اند. از لحاظ اشتراک در تسلط به شعر و شاعری، نظامی عروضی اگرچه در نثر، صاحب ذوق و قریحه است به اعتبار شاعران هم‌عصرش شعرهایش سست و بی‌مایه است (ر.ک: عروضی، ۱۳۸۳: ۱۳)، سدیدالدین عوفی، موعظه‌گراست و دولت‌شاه سمرقندی با توجه به اشعارش در دیباچه تذکره‌الشعرا شاعری مسلط به دو زبان فارسی و عربی است و نورالدین عبدالرحمان جامی با خلق مثنوی هفت‌اورنگ، شاعری صاحب ذوق هنری و ادبی به شمار می‌آید. آگاهی دقیق‌تر از انگیزه و هدف این تذکره‌نویسان، چرایی تعدّد و کثرت یا قلّت شاعران را روشن





می‌کند. عوفی با توفیق‌یابی در آوردن عبارات مسجع مصنوع، زیبا و متناسب با جریان‌های هنری روزگار خویش، شاید تفاخر و فضل‌فروشی خویش را در بیان حال ۳۰۰ شاعر انگیزه درونی خود قرار داده است.

- مشترکات اندک تذکره‌نویسان با توجه به تقدّم و تأخّر زمانی در انتخاب شاعران این چهار تذکره مورد بحث، بیانگر این واقعیت است که این تذکره‌نویسان، عمدتاً در گزینش شاعران، اصول و موازین زمانه، ساختارهای اجتماعی حاکم بر جامعه و نگرش حاکمیتی پیروی می‌کنند.

معیارها تذکره‌ها	تعداد شاعران	شیوه بیانی	رویکرد تذکره نویسی در حوزه شاعران زن	ذوق و توانایی شعری تذکره نویسی	عام و یا اختصاصی بودن	معیار گزینش شاعران در تذکره نویسی
چهار مقاله	۱۰	حکایت پردازی/ بدون نمونه شعری	بی توجه به شاعران زن در تذکره نویسی	نظامی عروضی: دارای شعرهایی سست و کم مایه	عام: شاعران اندری، غنائی، حماسی و صوفیانه	تحت تاثیر ساختارهای اجتماعی حاکم بر جامعه و نگرش حاکمیتی
لباب الالباب	۱۷۰	عدم حکایت/ کاربرد گسترده نمونه شعری	توجه به شاعران زن در تذکره نویسی	سدیدالدین عوفی: شاعری توانمند در شعر فارسی	عام: شاعران اندری، غنائی، حماسی و صوفیانه	تحت تاثیر ساختارهای اجتماعی حاکم بر جامعه و نگرش حاکمیتی
نفحات الانس	۶۱۸	حکایت پردازی/ بدون نمونه شعری	توجه به شاعران زن در تذکره نویسی	نورالدین عبدالرحمان جامی: خودشاعری صاحب ذوق و قریحه شعری	خاص: شاعران صوفی و عارف مسلک	تحت تاثیر ذوق ادبی اهل تصوف
تذکره الشعرا	۳۰۰	حکایت پردازی/ بدون نمونه شعری	بی توجه به شاعران زن در تذکره نویسی	دولت‌شاه سمرقندی: خود شاعری مسلط به دو زبان فارسی و عربی	عام: شاعران اندری، غنائی، حماسی و صوفیانه	تحت تاثیر ذوق ادبی اهل ادب

جدول (۲) بررسی تطبیقی - تحلیلی معیارهای کمی و متن‌شناسی تذکره‌های برگزیده دوره پیشامغولی و پسامغولی تا آغاز سده ۱۰ ق.

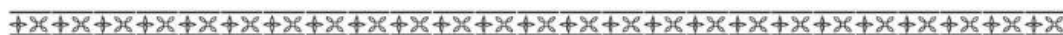
- برای آن که بتوان به متن‌شناسی ادبی و شناساندن سنت‌های ادبی در تذکره‌ها دست یافت، روی آوردن به تفکر انتقادی و آسیب‌شناسی و آفت‌زدایی از این گونه پژوهش‌ها ضروری و بایسته است، ارتقای سطح اطلاع‌رسانی تذکره‌ها در بسط و گسترش اطلاعات تاریخی در تذکره‌های ادبی؛ نزدیک کردن سطح دریافت‌ها و انتظارات خواننده امروز تذکره‌ها و پژوهشگر معاصر با بافت موقعیتی آفرینش متن تذکره‌ها و دریافت‌ها و انتظارات تذکره‌نویس سنت‌گرای گذشته؛ ارتقای سطح ژرف‌نگری و ارزش‌گذاری خواننده امروز نسبت به تحلیل‌های درست



و دقیق تذکره‌نویس در شناساندن سیر تطور و تحوّل تاریخی گذشته و ترغیب خواننده به دوری گزیدن از حبّ و بغض، غرض‌ورزی‌ها و تنگ نظری‌ها نسبت به دیدگاه‌های موثر تذکره‌نویس؛ طبقه‌بندی و دوره‌بندی جریان‌های ادبی در صورت آمیختن تفکر انتقادی با نگرش نسبت به ژانرها و فرم‌های ادبی؛ بالابردن سطح نظریه‌پردازی ادبی و نقد و تحلیل دقیق و درست علمی متون ادبی و ژرف‌اندیشی نسبت به محدودیت‌های قومی، نژادی، دینی، ایدئولوژیک و سیاسی و مواردی از این دست، از جمله ضرورت‌های بهره‌گیری از تفکر انتقادی در بررسی و تحلیل تذکره‌هاست. - مشترکات اندک تذکره‌نویسان با توجه به تقدّم و تأخّر زمانی در انتخاب شاعران این چهار تذکره، بیانگر این واقعیت است که این تذکره‌نویسان، عمدتاً در گزینش شاعران، اصول و موازین زمانه، ساختارهای اجتماعی حاکم بر جامعه و نگرش حاکمیتی پیروی می‌کنند. بی‌گمان در چارچوب متن‌شناسی تذکره‌نویسی، بررسی تطبیقی این چهار تذکره، به شناخت فرایندهای جریان‌شناسی تذکره‌هایاری می‌رساند.

کتابنامه

۱. امامی، نصرالله (۱۳۷۷). **مبانی و روش‌های نقد ادبی**، چاپ اول، تهران: جامی.
۲. برسler چارلز (۱۳۸۶). **درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی**، ترجمه مصطفی عابدینی‌فرد، تهران: نیلوفر.
۳. بنیانی، فیض‌الله بن زین‌العابدین، **میکروفیلم ۲۶۲۷۹**، آستان قدس رضوی.
۴. بیهقی، ابوالحسن علی‌بن زید (۱۳۶۱)، **تاریخ بیهقی**، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: مروی.
۵. جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۸۶)، **نفحات الانس من حضرات القدس**، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، چاپ پنجم، تهران: سخن.
۶. _____ (۱۳۷۹). **بهارستان و رسائل**، تصحیح اعلاخان افصح‌زاده و دیگران، چاپ اول، تهران: میراث‌مکتوب.
۷. زرقانی سیدمهدی (۱۳۹۰). **تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی**، چاپ دوم، تهران: سخن.
۸. _____ (۱۳۹۱). **چشم‌انداز شعر معاصر ایران**، چاپ اول، تهران: ثالث.
۹. زهره‌وند، سعید (۱۳۹۵)، **بررسی جریان‌های شعر نو در شعر دهه هفتاد**، تهران: روزگار.
۱۰. عوفی سدیدالدین عوفی (۱۳۹۱). **لباب‌الالباب**، تصحیح عزیزالله علیزاده، تهران: فردوس.





۱۱. سلطانی، منظر (۱۳۸۰)، «بررسی سیر تذکرها و تاریخ ادبیات‌های فارسی در ایران از ۱۳۸۵ - ۱۳۳۲ ه.ش»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال چهارم و پنجم، شماره یک، صص ۴۲۰ - ۴۰۳.
۱۲. سلمان پور، طوبی و دیگران (۱۳۹۹). «بازاندیشی در ضرورت «تفکر انتقادی» و کارکردهای آن در تذکره نویسی و تاریخ ادبیات نگاری»، مجله فنون ادبی، دانشگاه اصفهان، سال ۱۲، شماره ۳۳، زمستان، ۲۰-۱.
۱۳. سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۵). **تذکره الشعرا**، تصحیح فاطمه علاقه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۴. عسگری، محمد (۱۳۹۱). «آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی، رویکرد بین‌رشته‌ای»، **فصل‌نامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی**، دوره چهارم، شماره دو، صص ۶۴ - ۳۵.
۱۵. علایی، سعید (۱۳۸۷). **جریان‌شناسی شعر انقلاب اسلامی**، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب.
۱۶. علوی مقدم، مهیار (۱۳۹۶). «ضرورت بازشناخت تفکر انتقادی به مثابه رویکردی میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی و نقد ادبی»، تهران: همایش‌های بین‌المللی صداوسیما.
۱۷. عوفی، سدیدالدین محمد (۱۳۹۱). **لباب‌الالباب**، تصحیح عزیزالله علیزاده، تهران: فردوس.
۱۸. فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۱)، **سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها**، چاپ اول، تهران: سخن.
۱۹. محبتی، مهدی (۱۳۸۸). **از معنا تا صورت**، تهران: سخن.
۲۰. مکاریک ایرناریما (۱۳۸۳). **دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر**، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
۲۱. نظامی عروضی سمرقندی، احمدبن عمر بن علی (۱۳۴۱). **چهار مقاله**، تصحیح محمد قزوینی. چاپ دوم تهران: زوار.
۲۲. نظامی عروضی، احمد (۱۳۸۳). **چهار مقاله**، تصحیح محمد قزوینی، تهران: جامی.



Textlogy of selected thazkharehs(memoirs): *Chahar maghaleh, Lobabol albab, Nafahatol ons, Tazkharatol shoarah*

Firouzi Moghaddam, Mahmoud⁵ - Salmanpour, Toba⁶ - Alavi Moghaddam, Mehya⁷ - Tasnimi, Ali⁸

Absract

The study of trends of memoirs, as the first generation of the history of Persian literature with a critical approach and with the aim of the formation, transformation and transformation, the origins of memoirs and their historical period and their ups and downs throughout literary history. It can be claimed that plagues such as superficiality, rhetoric, summary writing, love and hate have found their way into a number of them. The pathology textology of memoirs requires the use of "critical thinking", ability to achieve purposeful, accurate and scientific evaluation of memoirs provides analytical thinking and presentation of scientific theories, promoted the knowledge of literary theorizing, classification and classification of the history of literature, and removed literature from ethnic, ideological and political prejudices. In this research, the statistical society of which is four memoirs to 10th AH(*Chahar maghaleh, Lobabol albab, Nafahatol ons, Tazkharatol shoarah*), includes, in the context of the trends actual elements in each era, as well as describe and explain the various approaches to memoirs, tradition-breaking and innovation motives; We also try to use analytical-descriptive method to understand the classification, discover the relationships between the notes, their effects and effects, and especially the role of internal and external elements in the evolution of note. The aim of this article is only to plan the pathology of literary biographies through critical thinking in a number of biographies of the 10th AH, and it is obvious that the delay in the pathology of the found pests requires other opportunities.

Keywords: critical textology, memoirs, literary history.

⁵ Assistant Professor of Persian Language and Literature, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran- firouzimoghaddam@gmail.com

⁶ PhD student in Persian Language and Literature, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran - parimah.1346@gmail.com

⁷ Associate Professor of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran - m.alavi2007@yahoo.com

⁸ Department of Persian Literature and Language, Hakim university, sabzevar, Iran. - a.tasnimi@hsu.ac.ir